



University of Tehran press

Research in Contemporary World Literature

http://jor.ut.ac.ir, Email: pajuhesh@ut.ac.ir

p-ISSN : 2588-4131 e-ISSN: 2588 -7092

Reassessing the Concepts of Subordinate and Superior in Hergé's The Adventures of Tintin

Paniz Fallahi ¹ 0009-0008-4114-4998 Fatemeh Khan-Mohammadi ^{2✉} 0000-0002-5043-9893
Behzad Hashemi ³ 0000-0002-4041-9741

1. Department of French Language and Literature, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: Paniz.falp@yahoo.com
2. Department of French Language and Literature, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: fatemeh_khan@yahoo.fr
3. Department of French Language and Literature, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran. E-mail: hachemibehzad73@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 01 December 2020

Received in revised form: 16
June 2021

Accepted: 05 July 2021

Published online: 01 August
2023

Despite great criticisms addressed to Hergé, the author of *The Adventures of Tintin*, regarding racial and ethnic biases, his works have maintained their popularity, even with groups that were directly or indirectly the subject of these biases. The way that readers encounter *The Adventures of Tintin* is placed within the framework that in postcolonial theory is defined as the relationship between the subordinate and the superior. In this research, we assess different models that Hergé used to define the identity of subordinate groups. On the same basis, it is established that with making changes in the concepts of the subordinate and superior, and contrary to the expectations of the superior, subordinate groups are not merely the consumers of the cultural products of the powerful people. Consequently, by using the tools that have been produced by them, the subordinate influence the dominant groups and thus cause changes in their dialogues and perspectives.

Keywords:

Adventures of Tintin, cultural
confiscation, postcolonial
theory, self and other,
subordinate and superior.

Cite this article: Fallahi, Paniz; Khan-Mohammadi, Fatemeh & Hashemi, Behzad. "Rethinking the concepts of elites and subalterns in the collection of adventures of Tintin by Hergé". *Research in Contemporary World Literature*, , 2023, 28 (1), 225-244. DOI: <http://doi.org/10.22059/jor.2021.314647.2082>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jor.2021.314647.2082>



بازاندیشی مفاهیم فرادست و فرودست در مجموعه ی ماجراهای تن تن اثر هرژه

پانیز فلاحی^۱ فاطمه خان محمدی^۲ بهزاد هاشمی^۳

۱. گروه زبان و ادبیات فرانسه، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: Paniz.falp@yahoo.com
۲. گروه زبان و ادبیات فرانسه، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: fatemeh_khan@yahoo.fr
۳. گروه زبان و ادبیات فرانسه، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. رایانامه: hachemibehzad73@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله‌ی پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۱</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۳/۲۶</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۴</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰</p>	<p>به رغم انتقاداتی که نسبت به آثار هرژه، نویسنده‌ی ماجراهای تن تن، دال بر سوگیری‌های نژادی و قومی مطرح است، این آثار محبوبیت خود را حفظ کرده‌اند، حتی نزد گروه‌هایی که موضوع مستقیم یا غیرمستقیم این سوگیری‌ها بوده‌اند. نحوه‌ی مواجهه‌ی این خوانندگان با ماجراهای تن تن در چارچوبی قرار می‌گیرد که در نظریه‌ی پسااستعماری ذیل عنوان رابطه‌ی فرودست و فرادست تعریف می‌شود. در این پژوهش الگوهای مختلفی را بررسی می‌کنیم که هرژه برای تعریف هویت برای گروه‌های فرودست به کار می‌گیرد. بر همین مبنا با تغییراتی در مفاهیم فرادست و فرودست، نشان می‌دهیم که برخلاف انتظار فرادستان، گروه‌های فرودست تنها مصرف‌کنندگان محصولات فرهنگی قدرت‌مداران نیستند و با استفاده از ابزارهایی که خود ایشان تولید کرده‌اند بر گروه‌های سلطه تأثیر می‌گذارند و موجب تغییراتی در گفتمان و جهان‌بینی ایشان می‌شوند.</p>
<p>کلیدواژه‌ها:</p> <p>ماجراهای تن تن؛ خود و دیگری؛ نظریه‌ی پسااستعماری؛ فرادست و فرودست؛ مصادره‌ی فرهنگی.</p>	

استناد: فلاحی، پانیز؛ خان محمدی، فاطمه و هاشمی، بهزاد. "بازاندیشی مفاهیم فرادست و فرودست در مجموعه‌ی ماجراهای تن تن اثر هرژه". پژوهش ادبیات معاصر جهان، ۱۴۰۲، ۲۸ (۱)، ۲۲۵-۲۴۴.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jor.2021.314647.2082>



۱. مقدمه

در واپسین سال‌های دهه‌ی ۶۰ خورشیدی نگارنده‌ی مقاله‌ی حاضر با مجموعه‌ای از آثار مصور آشنا شد که تا به امروز مشغله‌ی ذهنی‌اش مانده است: *ماجراهای تن‌تن*^۱. مجموعه‌ی مذکور اولین چاپ *ماجراهای تن‌تن* در ایران بود که در سال ۱۳۵۰ از سوی انتشارات یونیورسال به بازار عرضه شد. از آن دوران تا امروز، *ماجراهای تن‌تن* اثرگذاری خود را حفظ کرده‌اند، برای مثال گذشته از ترجمه‌ها و چاپ‌های متعدد این آلبوم‌ها و محبوبیت آثار سینمایی و تلویزیونی برگرفته از آن در ایران، در تازه‌ترین رخداد مرتبط با *تن‌تن*، باشگاهی با عنوان «کلوپ هواداران فارسی‌زبان *تن‌تن*» در سال ۱۳۹۳ راه‌اندازی شده است^۲ که نشان می‌دهد این آثار به‌خودی خود به‌صنعتی در دنیای فرهنگ تبدیل گردیده است، صنعتی که از عروسک و پازل تا رخدادها و نمایشگاه‌های فرهنگی را دربرمی‌گیرد. این اثرگذاری محدود به ساحت فرهنگی کشورهای فرانسه‌زبان و ایران نیست و در دیگر نقاط دنیا نیز مصداق دارد. اما در نگاه اول، گویی در ایران و دیگر کشورهای غیراروپایی (از جمله چین و کشورهای آفریقایی) شاهد آن نگاه انتقادی نیستیم که در سال‌های اخیر در اروپا و آمریکا از سوی نسل‌های دوم و سوم مهاجران نسبت به مجموعه‌ی *تن‌تن* و مؤلف آن معطوف شده است، بویژه در رابطه با مسئله‌ی نژاد و روابط استعماری (ن.ک بخش اول). این گزاره مبتنی است بر اطلاعاتی که البویه روش و دومینیک سربلو در وبگاه «*تن‌تن*. کتاب‌شناسی یک اسطوره» ارائه داده‌اند^۳. در این سایت بیش از ۵۰۰ اثر از سراسر جهان جمع‌آوری شده‌اند اما بخش عمده آثار به زبان‌های اروپایی نوشته شده‌اند. گذشته از آن، غیاب منابع تالیفی جامع به زبان فارسی در نقد *ماجراهای تن‌تن* یکی از دشواری‌های پژوهش حاضر بوده است، به گونه‌ای که با جستجوی کلیدواژه‌ی «*تن‌تن*» در پایگاه مجلات تخصصی نور، به تنها ۱۰ عنوان مقاله دست پیدا می‌کنیم که از آن میان، تنها یک مورد دارای رتبه‌ی علمی پژوهشی است^۴. شاید دلیل این امر نگاه منتقدان ایرانی و غیراروپایی به کتاب‌های مصور به‌عنوان آثاری تفننی باشد یا

^۱ Les Aventures de Tintin

^۲ <http://www.tintinfans.com/blog/>

^۳ برای اطلاعات بیشتر نک به فهرست کتاب‌ها در سایت مذکور که ضمیمه‌ای است بر کتابی با همین:

Olivier Roche, Dominique Cerbelaud, *Tintin. Bibliographie d'un mythe*, Impressions Nouvelles, 2014. فهرست‌ها در آدرس زیر قابل دسترسی است.:

<http://www.bibliographiedunmythe.com/index.php/listes-et-index>

^۴ https://www.noormags.ir/view/fa/keyword/%D8%AA%D9%86_%D8%AA%D9%86

آنکه چون این آثار را (به اشتباه) محدود به رده‌ی سنی کودک و نوجوان می‌دانند^۱، آنها را فاقد وجاهت لازم برای پژوهش جدی قلمداد می‌کنند. دلیل هر چه باشد، نپرداختن منتقدان به این آثار به معنای انفعال مخاطب در مواجهه با این آثار نیست و در این مقاله نشان خواهیم داد چطور مخاطب ابتکار عمل را در روند خوانش به دست می‌گیرد و مسیری را برمی‌گزیند که از سوی مؤلف پیش‌بینی نشده است. در این راستا از خود خواهیم پرسید: با توجه به این که از سویی قشر وسیعی از خوانندگان تن‌تن به فرهنگ‌های غیراروپایی تعلق دارند و از سوی دیگر، اروپامحوری^۲، گرایش‌های نژادپرستانه و اهداف استعماری از جمله انتقادات جدی نسبت به هرژه بوده است، چطور می‌توان مواجهه‌ی مخاطبان غیراروپایی با این آثار را توضیح داد و محبوبیتشان را در میان مخاطبانی درک کرد که در این آثار به طور مستقیم یا غیرمستقیم مورد حمله‌های نژادپرستانه یا استعمارگرانه قرار می‌گیرند؟ (ن.ک بخش دوم)

سفرهای بیشمار تن‌تن به اقصی نقاط پنج قاره گیتی و برخورد او با اقوام و ملیت‌های گوناگون بی شک «هرژه» را در تقابل نگرش مفاهیم واژگان «دیگری» و «خود» قرار می‌دهد. این مفاهیم در دنیای نقد ادبی تعاریف خاص خود را داشته‌است و پس از شکل‌گیری توسط فیلسوف و منتقد ادبی روس «میخائیل باختین»^۳ به ابزاری برای واکاوی آثار ادبی بویژه در جهان غرب تبدیل شد. یکی از وجوه نقادانه برای دستیابی به تعریف مفاهیم «دیگری» و «خود» دیدگاه نقد تصویر شناختی است که برای واکاوی آثار ادبی از جمله سفرنامه‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. الگوی فکری منتقدین در واکاوی سفرنامه‌ها - به عنوان مثال سفرنامه پیتر و دلا واله - (شیخ الاسلامی، پوینده، ۱۰۶۵) دیدگاهی همانند نظرات " هرژه " است که هویت ملیتی انسان‌ها را به عنوان یک برساخت یا یک قالب ذهنی در نظر می‌گیرد.

^۱ این محدودیت به‌طور جدی مورد مناقشه قرار گرفته است. به‌طور مشخص، ژان‌ماری اپوستولیدس کتابی با عنوان مسخ‌ترین یا تن‌تن برای بزرگسالان را به رد محدودیت‌های سنی مرسوم برای کتاب‌های مصور اختصاص داده است. بر همین مبنا در مقاله حاضر، تفکیکی میان گروه‌های خواننده قائل نمی‌شویم و به تأثیر این آثار بر گروه‌های سنی به‌طور اخص نمی‌پردازیم. همان‌طور که در ادامه ذکر شده است، در اینجا خواننده در معنای خاصی که در بخش سوم بر مبنای نظریه دریافت تعریف شده، مد نظر قرار می‌گیرد.

Jean-Marie Apostolides, *Les métamorphoses de Tintin, ou Tintin pour les Adultes*, Exils, 2003.

^۲ Eurocentrism

^۳ Mikhail Bakhtin

از سوی دیگر با تکیه بر نظریه‌ی دریافت^۱ می‌توان فرض کرد که در این مورد خاص، خواننده‌ی متعلق به فرهنگ غیراروپایی در کنار هرژه یکی از دو قطب فرآیند تألیف و معنادهی محسوب می‌شود (ن.ک بخش سوم). بر همین اساس، بررسی انتقاداتی که نسبت به هرژه و ماجراهای تن‌تن وارد می‌شود و مذاقه در استدلال‌های زیربنایی آنها، نشان می‌دهد چطور رویکرد پسااستعماری در شکل‌گیری و طرح این انتقادات دخیل بوده است. برای بررسی این فرضیه، بر رابطه‌ی خود (هویت) و دیگری^۲ درنگ می‌کنیم و نسبت آن با رابطه‌ی مستعمره (فردست^۳) و استعمارگر (فردست^۴) را تعریف خواهیم کرد. باید اشاره کرد که هرژه نیز با به تصویر کشیدن فرودستانی که با تقلید از ابزارآلات فرادستان از «خود» من «دیگری» می‌سازند، به تایید نظریه منتقدانی چون اسپیواک تن داده است. اسپیواک معتقد است که به دلیل فقر و بی‌سوادی، مردمان فرودست در مقابل تهاجم اقتصادی و فرهنگی بسیار آسیب‌پذیر خواهند بود. در این میان، باید کسانی باشند که نام و حقوق اولیه‌ی آنان را اظهار کنند، در واقع کسانی باید چهره‌ی واقعی آنان را بازنمایی نمایند زیرا فرودستان امکان صحبت علیه «فردست» را ندارند، تاریخ فرودستان نوشته نشده و مورد پذیرش نبوده است. در این میان متون ادبی بازتابی از فرهنگ استعمارگران و فرودستان است تا نشان دهد چگونه زندگی اجتماعی، فرهنگ، زبان و هویت تحت تاثیر استعمار تغییر میکند و اصالت خود را از دست می‌دهد. (حیدری، البرزی ایوانکی، ۳۴۱) لذا نویسندگانی همچون هرژه تلاش می‌کنند تا بیانگر مشکلات آنان باشند. از آنجایی که یکی از مبانی سیاست‌های هویتی برجسته‌سازی تفاوت‌های فرهنگی یک گروه نسبت به گروه دیگر است و با توجه به این که در مطالعات پسااستعماری کشورهای کمتر توسعه‌یافته با عنوان گروه فرودست و استعمارگران قدیم (یا جدید) با عنوان گروه فرادست معرفی می‌شوند؛ مطالعه‌ی حاضر با رویکردی میان‌رشته‌ای در پی بررسی این مسئله است:

آیا برداشت مخاطب ایرانی از آثار هرژه که نسبت به غیراروپایی‌ها سویه‌های نژادپرستانه و استعمارگرانه دارد، همان برداشتی است که مقصود مؤلف بوده است؟ رابطه‌ی میان داشته‌های فرهنگی مخاطب ایرانی با نحوه‌ی تفسیر این آثار چیست؟ واکنش این خواننده در برابر مواضع فرادستانه‌ی نویسنده (و به‌طور کلی فرهنگی که نویسنده به آن تعلق دارد) چیست؟ پژوهش کنونی

¹ Théorie de la réception et de la lecture

² Other

³ Subalterne

⁴ Elite

در حوزه‌ی مطالعات فرهنگی قرار می‌گیرد و با ترکیب دو نظریه‌ی پسااستعماری^۱ و دریافت (رویکرد ایزر^۲) و همچنین تلفیق آنها با مفاهیم برآمده از نظریه‌ی سیاست‌های هویتی، روشی نو برای درک و تحلیل ابزارهای فرهنگی و ادبی گروه‌های فرودست جهت تفسیر محصولات فرهنگی فرادستانه ارائه می‌کند.

۲. بحث و بررسی

پیشینه تحقیق و انتقادات به هرژه: نژاد و مکان «دیگری»

چه چیز موجب می‌شود بازنمایی «دیگری» در ماجراهای تن‌تن برای دنیای امروز موضوعیت داشته باشد؟ از سویی نسل‌های متعدد، پیر و جوان، با ماجراهای تن‌تن در رسانه‌های مختلف خو گرفته و می‌گیرند، از سوی دیگر به گفته‌ی آلتوسر^۳ «چیزی به اسم خوانش معصوم وجود ندارد» و «هیچ خواننده‌ای نیز معصوم نیست» (آلتوسر ۱۹۶۸). و این نکته در خصوص بازنمایی قومیت و نژاد بسیار کلیدی است چرا که مفهوم خود و دیگری جوهره‌ی این دو را تشکیل می‌دهد.

کتاب مصور به دلیل ترکیب متن و تصویر (و تفوق تصویر بر متن) رسانه‌ای است که برای برقراری ارتباط مؤثر با مخاطب، ناگزیر از تکیه بر تصورات کلیشه‌ای و تفکرات قالبی است. از این منظر، احتمال اینکه مؤلف به پیش‌داوری‌های مخاطبانش دامن بزند، دو چندان می‌شود. می‌توان ادعا کرد که دلیل این امر لزوم برانگیختن هم‌زادپنداری مخاطب با شخصیت‌های داستان است تا به این طریق، با جذب مخاطب به محبوبیت و در نتیجه «فروش» بیشتری دست یابد. در خصوص ماجراهای تن‌تن این هم‌زادپنداری با قهرمان داستان صورت می‌گیرد که وجه تمایزش از دیگر شخصیت‌های داستان، ویژگی‌های قوم‌شناختی‌اش است. طبیعتاً هر شخصیتی که فاقد این ویژگی‌ها باشد به عنوان «دیگری» مجسم می‌شود. (اشترومبرگ^۴، ۱۳، رویال^۵، ۸، کسلر^۶، ۸۶-۸۷)

پیش از آنکه در بخش آخر این نوشته به مفهوم هم‌زادپنداری برگردیم و نقش آن را در تشدید پیش‌داوری‌های مخاطبان بررسی کنیم، پیشینه‌ی مفهوم «دیگری» و الگوهای درک آن را به‌عنوان

^۱Postcolonial Theory

^۲Wolfgang Iser Reception Theory

^۳Louis Althusser

^۴Fredrik Strömberg

^۵Derek Royal

^۶Peter Kessler

مقدمه‌ای برای درک رابطه‌ی متقابل هرژه و تن‌تن با مخاطبان و شخصیت‌های داستانی در نظر می‌گیریم. چرا که دیگری تابعی است از رابطه‌ی بین خود و دنیا. و به موازات تغییر این رابطه، تعریف دیگری نیز دچار تغییر می‌شود. رابطه‌ی تن‌تن با شخصیت‌های «دیگر» در طول زمان دستخوش تغییراتی شده است که به مفهوم «دیگری» جنبه‌های تازه‌ای بخشیده است. (اپوس^۱ تولیدس ۴۵-۵۷، فار^۲ ۲۲)

یکی از مفاهیم دیگری که نزد شخصیت‌های داستان‌های تن‌تن به چشم می‌خورد، میراثی است که از دکارت به جای مانده است. از نظر این فیلسوف ضمیر فرد، نقطه‌ی آغاز آگاهی است. و وقتی «فکر می‌کنم پس هستم» به عنوان اصلی‌ترین دغدغه‌ی انسانی معرفی می‌شود، «دیگری» تا جایی معنا و اهمیت دارد که به «من» ربط پیدا می‌کند: «من چطور می‌توانم دیگری را بشناسم؟» به موازات این مفهوم، با شکلی پیچیده‌تر نیز روبرویم که محصول تحولات مدرنیته است. با گذر از دوران روشنگری و ورود به مدرنیته‌ی استعماری، دیگری کیفیت اخلاقی عینی‌تری پیدا کرده است: دیگری کسی است که در بستری سیاسی، فرهنگی، زبان‌شناختی یا مذهبی وجود عینی دارد. این تغییر برای مفهوم فردیت اهمیت زیادی داشته است چرا که ترکیب و ساخت «فرد» جدا از ترکیب و ساخت «دیگری‌هایش» نیست (مورو^۳ ۱۵۷-۱۵۸).

به باور تودوروف^۴، در ادبیات و فرهنگ مفهوم دیگری در فاصله‌گیری مؤلف از شخصیت نمود پیدا می‌کند. یعنی نویسنده باید شخصیت‌های اثر خود را هم از درون بشناسد و هم به عنوان «دیگری» یعنی موجودی جدا از خالق اثر. تودوروف به تأسی از باختین، دیگری را محصول دیالوگ می‌داند، بنابراین نباید جدا بودن شخصیت از خالق را به عنوان گسیختگی او از مؤلف تفسیر کرد بلکه فاصله‌ی میان آن دو پیش شرط لازم برای برقراری دیالوگ است، دیالوگی که می‌تواند میان تفاوت‌های فرهنگی، جنسیتی، طبقاتی و اجتماعی ارتباط برقرار کند.

به باور اسپیواک^۵ نظریه پرداز ادبی و فیلسوف هندی، این تحول معنایی را می‌توان در رابطه‌ی میان استعمارگر و مستعمره دید: هویت فرهنگی استعمارگر را نمی‌توان جدا از دگربودگی مستعمره دانست. این فرآیند البته از چشم استعمارگران امپریالیست پنهان بوده است چرا که ایشان خود را در

¹ Jean-Marie Apostolides

² Michael Farr

³ Thérèse Moro

⁴ Tzvetan Todorov

⁵ Gayatri Chakravorty Spivak

برابر هرگونه تأثیر یا نفوذی از طرف مستعمره رویین تن می‌دانستند. از این روی نظریه‌های غربی تمایل داشته‌اند دنیا را به‌عنوان مجموعه‌ای از دوگانه‌های متضاد با مرزهای مشخص و تأثیرپذیری یک‌طرفه ببینند: مرکز/حاشیه، استعمارگر/مستعمره، متمدن/بدوی.

این دوگانگی‌های متضاد و شکل‌گیری دیگری را می‌توان به‌خوبی در آثار هرژه مشاهده کرد؛ دوگانگی‌هایی که توجه منتقدان پسااستعماری را به خود جلب کرده است. در این خصوص، منتقدان^۱ بر کیفیت‌هایی انگشت گذاشته‌اند که آثار هرژه به‌تلویح یا تصریح به «دیگری» نسبت داده است: روسیه کشور «فساد و انحراف»^۲؛ آفریقا محل «زنگی‌های لب‌ژوژی» ساده‌لوح، غیرقابل اعتماد، خون‌خوار، فرمان‌بردار، تنبل و با رفتارهای بی‌جانه^۳؛ اعراب انتقام‌جو^۴؛ مکزیکی‌های راهزن و یاغی^۵، سرخپوستان آمریکایی آدم‌خوار و وحشی^۶ و...

نمونه‌ی عینی این موضع را می‌توان در یکی از تصاویر تن‌تن در کنگو دید، آنجایی که دو نفر آفریقایی بر سر یک کلاه در حال مشاجره هستند و تن‌تن با دو قسمت کردن آن به مشاجره پایان می‌دهد. زیر قلم هرژه، تبختر این رفتار تن‌تن از سوی دو آفریقایی عدالت تعبیر می‌شود که با زبان فرانسوی الکنشان از فردی تشکر می‌کنند که از اساس منکر اهمیت مشاجره‌ی آنهاست (هرژه ۴۷).^۷ در نگاه اول، دو دسته از گروه‌های فرودست در آثار هرژه از این رویکرد تحقیرآمیز مستثنی هستند: مردم چین و سیاه‌پوستان آمریکایی.

در خصوص چین، هرژه تاجایی پیش می‌رود که در مکالمه‌ای میان تن‌تن و چنگ‌چونگ چن در آلبوم نیلوفر آبی^۸، کلیشه‌های غربی در مورد چین («همه‌ی چینی‌ها دغل و بی‌رحم هستند و...») را به چالش می‌کشد. ریشه‌ی این برخورد استثنائی را باید در دوستی هرژه با هنرمند چینی، ژنگ چونگرن، جست که الهام‌بخش شخصیت چنگ‌چونگ نیز بوده است. گویی به سبب رابطه‌ی صمیمی و شناخت نزدیک یک فرد چینی، او به شناختی کامل از «قوم» چین دست یافته است. همین تعمیم خود مسبب

^۱ Dani Filc, Katherine Fleming, Christa Catherine E. Jones, Pierre Assouline, etc.

^۲ Tintin au pays des soviets

^۳ Tintin au Congo

^۴ Les Cigares du pharaon

^۵ Les Bijoux de la Castafiore

^۶ L'Oreille cassée

^۷ ترجمه‌ها بر اساس متن اصلی کتاب‌ها است.

^۸ Le Lotus bleu

اشکالات شناختی دیگری است که باعث می‌شود موضع هرژه نسبت به ژاپن و ژاپنی‌ها، که در آن دوران مناطقی از چین را اشغال کرده بودند، سمت‌وسویی نژادپرستانه پیدا کند.

در مقابل، سیاهان شهرنشین ایالات متحده قربانیانی معرفی می‌شوند که زیر سلطه‌ی سرمایه‌داری افسارگسیخته‌ی آمریکایی با حمایت ارتش و دولت قرار دارند. اما این موضع نیز از سوی برخی منتقدان به انگیزه‌های سیاسی نسبت داده شده است و نه انگیزه‌های بشردوستانه. ژان ماری اپوستولیدس در مقاله‌ای با عنوان «هرژه و افسانه‌ی ابرکودک»^۱ (اپوستولیدس ۵۵) استدلال می‌کند که تن‌تن نقش میانجی را بین دو قطبی که اروپا را احاطه کرده بودند، یعنی کمونیسم و کاپیتالیسم، بازی می‌کند. از این منظر، انتقادات تن‌تن به روسیه، آمریکا و ژاپن از سویی و دفاع او از چین از سوی دیگر، در واقع تلاشی است ایدئولوژیک برای اثبات حقانیت اروپا و برتری آن نسبت به «دیگری»هایی که به‌رغم شباهت ظاهریشان با ارزش‌های اروپایی به لحاظ ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک با اروپا در رقابتند.

برای درک اروپامحوری هرژه کافی است رویکرد او را نسبت به آلمان نازی ملاحظه کنیم که وطنش بلژیک را اشغال کرده بود. موضع هرژه در مقابل نازی‌ها مواجهه با «بیگانه» نیست، چه اینکه خود با احزاب فاشیستی بلژیک نزدیک بود. و اگرچه پیر اسولین^۲ در کتاب زندگی‌نامه‌ی هرژه ادعا می‌کند که همکاری هرژه در دوران اشغال بلژیک با مجلات نازی نشان‌دهنده‌ی همراهی او با نازی‌ها نیست و تنها ناشی از قضاوت بد او و نادیده گرفتن عواقب کارهایش است، نگاه سلسله‌مراتبی و ابزاری هرژه به دیگر اقوام چنین استلال‌هایی را تضعیف می‌کند. به یاد داشته باشیم (دلیسل ۵۲)^۳ برعکس شخصیت تن‌تن، هرژه اهل مسافرت نبود و شناختش از مناطق و کشورها را مدیون موزه‌ی سلطنتی کنگو واقع در محله‌ی ترورن بلژیک بود، که محتوای مخازنش چیزی نبود جز «غنیمت‌هایی» که از «کنگوی بلژیک» یا «اردوگاه کاری به وسعت یک کشور»، در زمان شاه لئوپولد دوم به بروکسل آورده شده بود.

در مثالی که پیشتر ذکر شد، تن‌تن به‌عنوان نماینده‌ی فرهنگ اروپایی خود را در جایگاهی فراتر از شخصیت‌های «اگروتیک» دنیای داستانی خود می‌داند. او با آنکه روزنامه‌نگار است کمتر گزارش‌خبری می‌نویسد و بیشتر به حل مشکلاتی دست می‌زند که «محلی‌ها» خود از حلشان ناتوانند. وقتی کلاه حصیری دو سیاه‌پوست را از وسط دونیم می‌کند، در واقع به‌طورنمادین در مقام قاضی بی‌طرف و

¹ Hergé and the Myth of the Superchild

² Pierre Assouline

³ Philippe Delisle

بی‌منفعت در دعوای «محلی‌ها» نمود می‌یابد، و همین امر حق او به استفاده از منابع و داشته‌های طبیعی آن مناطق را توجیه می‌کند.

به این ترتیب برتری تن‌تن نسبت به دیگر شخصیت‌ها نه تنها به موجب تمرکز داستان بر او، که به موجب ویژگی‌هایی است که به‌عنوان یک فرد «سفیدپوست اروپایی متمدن» در مقابل «محلی‌های» بدوی به او نسبت داده می‌شود. این موضع البته در گفتمان استعمار نیز بروز می‌یابد. استعمارگران خود را صادرکنندگان تمدن و خیرخواه دنیا معرفی می‌کردند. حتی پس از شکل‌گیری صداهایی انتقادی در اروپا نسبت به توحش استعمارگران در برخورد با ساکنان مستعمرات، آن نگاه پدرمآبانه به شکلی جدید در هیئت سازمان‌های فعال در امور انسان‌دوستانه و میسیونرها تداوم یافت.

برای انتقاد از رویکردهای اینچنینی به محلی‌ها و بدوی‌ها اغلب از واژه‌ی فرودست استفاده می‌شود، کلمه‌ای که نظریه‌پردازان پسااستعماری از آنتونیو گرامشی^۱، فیلسوف ایتالیایی، به‌عاریه گرفتند تا مقاومت این گروه‌ها را در برابر گروه‌های سلطه برجسته کنند. گرامشی فرودستان را گروه‌هایی در اجتماع معرفی می‌کرد که محکومند سلطه‌ی طبقات حاکم را تحمل کنند. از نظر او این گروه‌ها شامل کشاورزان، کارگران و دیگر گروه‌هایی می‌شد که دسترسی به قدرت و «سلطه» نداشتند. نظریات پسااستعماری این تعریف را گسترش دادند و به کلیه‌ی اشکال فرمان‌برداری و انقیاد تعمیم دادند؛ در این معنا فرودست به هر گروهی اطلاق می‌شود که از نظر سیاسی، طبقاتی، سنی، جنسیتی، مقامی یا هر جنبه‌ی دیگری از زندگی اجتماعی تحت سلطه قرار داشته باشد. بدیهی است که این تعریف دال بر وجود قطب مخالف فرودست است: گروه فرادست یا نخبه گروهی است که از نظر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جایگاه قدرت، اقتدار و سلطه قرار دارد. به همین دلیل در نظریه‌ی پسااستعماری یکی از ویژگی‌های مشترک گروه‌های فرودست، به‌رغم کثرتشان، مفهوم مقاومت در برابر سلطه‌ی نخبگان است. (پراکاش ۱۴۷۷)^۲

اما این مفهوم از فرودست مورد انتقاد اسپیواک قرار گرفته است. نقد او دقیقاً همان نقدی است که به اروپامحوران، از جمله هرژه، وارد است. به باور اسپیواک این تعریف از فرودست، مبتنی بر ذات‌باوری^۳ است، یعنی مجموعه‌ای از کیفیت‌ها را برای فرودستان الزامی می‌داند، و از این جهت، بازتولید منطق اروپامحوری است که دو قطب را شکل می‌دهد و همه‌ی غیراروپایی‌ها را بی‌توجه به تفاوت‌ها و ویژگی‌های فردی گروه‌های تشکیل‌دهنده‌ی قطب مقابل در یک ظرف می‌گنجانند، در واقع اسپیواک

¹ Antonio Gramsci

² Gyan Prakash

³ Essentialisme

اساس این قطب‌بندی را به‌چالش می‌کشد: فرودست برای مقاومت به ابزارهایی نیاز دارد، از جمله ابزارهای زبانی و مفهومی، که برآمده از گفتمان مسلط و غالب هستند. فرودست برای بیان اعتراض ناچار از مصادره‌ی^۱ این زبان و این مفاهیم است. (اسپیواک ۷۰-۶۸)

اگر این نظریه‌ی اسپیواک را در کنار مفهوم باختین^۲ و تودوروف از «دیگری» بگذاریم، دوقطبی میان خود و دیگری قدرت خود را از دست می‌دهد و مرزهای میان هویت‌های متقابل کم‌رنگ می‌شود. هویت‌های تازه‌ای که شکل می‌گیرند نه تنها روندهای قدیمی هویت‌بخشی را مختل می‌کنند بلکه نظم جغرافیای سیاسی دنیا را نیز متحول می‌سازند.

هویت‌های کم‌رنگ بر بستر قیومت سیاسی و فرهنگی

تعریف اروپامحوری که از لابه‌لای تصاویر و خطوط ماجراهای تن‌تن منتج می‌شود، مبتنی بر آن نگاه پدرسالارانه‌ای است که اروپاییان را قیم خیر فرهنگ‌های غیراروپایی معرفی می‌کند. این نگرش پدرمآبانه را می‌توان در رابطه‌ی میان فناوری، دانش و قدرت در کتاب تن‌تن در کنگو مشاهده کرد. در صفحه‌ی سوم این آلبوم خواننده به لطف گردش میلو (سگ تن‌تن) در میان محموله‌های کشتی، با جعبه‌هایی مواجه می‌شود که عنوان «تجهیزات علمی»، «تجهیزات مناطق گرمسیری» و «کینین» (داروی درمان مالاریا) بر خود دارند. تن‌تن در نقش ماجراجو و کاشف بعدها کارکرد این فناوری‌های غربی را به رخ می‌کشد. استفاده‌ی او از دوربین در ضبط و ثبت وقایع جاری به‌منظور حل معما بازگوکننده‌ی این استیلای تمدنی است.

در میانه‌ی همین آلبوم، تن‌تن میان یک طبیب-جادوگر آفریقایی و یک گانگستر آمریکایی ظاهر می‌شود و رابطه‌ی آن دو را با دوربینش ضبط می‌کند. حضور گانگستر آمریکایی نمادی است از تهدیدی خارجی نسبت به حکومت استعماری بلژیک: «آیا کنگو به مستعمره‌ی شیگاگو تبدیل می‌شود؟» (هرژه ۲۷). در حقیقت صحنه‌هایی از این دست دال بر آگاهی هرژه از «افول اروپا» است، اروپایی که مستعمره‌هایش را از دست می‌دهد اما همچنان بازنمایی اروپامحور از جهان را بازتولید می‌کند. در واقع، به گفته‌ی آدام هاکشیلد^۳ میسیون‌های کاتولیک به‌گونه‌ای در کنگو رفتار می‌کردند «که گویی سربازند». (هاکشیلد ۱۳۳)

درهم‌آمیختگی مسئله‌ی هویت ملی (و اروپایی) و مرزهای سیاسی-جغرافیایی را می‌توان در بازدید تن‌تن از ساختمان‌های مرکز میسیون بلژیک در کنگو مشاهده کرد. در این مرکز از تن‌تن خواسته

¹ Appropriation

² Mikhail Bakhtin

³ Adam Hochschild

می‌شود به بچه‌های کنگویی درسی درباره‌ی ارزش‌های استعمارگری بدهد و برای این منظور «کلاس جغرافی» با موضوع «کشور شما: بلژیک» برگزیده می‌شود (هاکشیلد ۶۵). نقش تن تن به عنوان معلم بچه‌های کنگویی بازتابی است از نگرشی وسیع‌تر مبنی بر اینکه سفیدپوستان قیم آفریقایی‌ها هستند. هرژه جایی برای تفسیر دگرگونه باقی نمی‌گذارد: در طول کلاس درس، بیری وارد کلاس می‌شود و تن تن ناجی بچه‌ها می‌شود. این حادثه را نمی‌توان چیزی به جز فرافکنی^۱ ذهنیت «بلژیک ناجی کنگو» تعبیر کرد. تضاد لباس‌های سفید تن تن و پشم‌های سفید میلو در این آلبوم با تاریکی مناظر گرمسیری و خطرناک آفریقا سند دیگری بر این ادعا است.

همان‌طور که گفته شد، نفوذ بیش از پیش آمریکا پس از جنگ جهانی اول از سوی هرژه تهدیدی برای هویت اروپایی و سلطه‌ی آن بر دنیا دانسته می‌شود. در آلبوم‌هایی که او به آمریکای جنوبی اختصاص داده است^۲، مداخلات آمریکا در آمریکای لاتین تلاش در جهت ثروت‌اندوزی، سرکوب و افساد معرفی می‌شود، و نفوذ اروپا عدالت‌گستر و مفید. انقلابی که تن تن و کاپیتان هادوک برای برقراری نظم در کشور خیالی سن‌تئودوروس در آمریکای جنوبی به راه می‌اندازند، برخلاف قاعده‌ی رایج، «انقلابی بی‌خون‌ریزی» است (هرژه ۴۳).

به نظر می‌رسد از نظر هرژه حکومت‌داری تنها زمانی عاقلانه و خالی از خشونت است که مبتنی بر ارزش‌های اروپایی باشد. برتری اروپایی نسبت به دیگر اقوام و گروه‌ها در سرتاسر آثار تن تن وجود دارد اگرچه در آثار اخیر هرژه این امر با زبردستی مستتر شده است. در آلبوم مقصد کره‌ی ماه این برتری با ظرافت بیشتری مطرح می‌شود، یعنی در تصویر جلد کتاب که زمین را از ماه نشان می‌دهد: اروپا با برجستگی بسیار زیاد نسبت به دیگر مناطق دنیا، به‌خصوص آمریکا و بلوک شرق، به تصویر کشیده شده است.

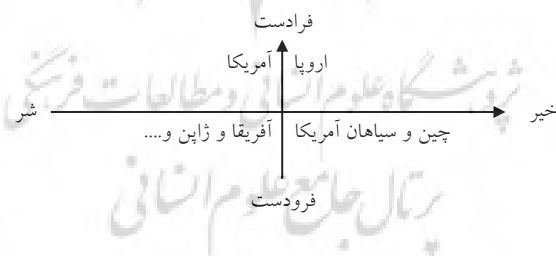
بر مبنای این مشاهدات، می‌توان ادعا کرد که در جهان‌بینی هرژه، فرادست به دو گروه فرادست خیرخواه و فرادست بدخواه تقسیم می‌شود: اروپا در مقابل آمریکا و شوروی. و به همین اعتبار، فرودست به دو دسته‌ی فرودست شایسته و فرودست ناشایست تقسیم می‌شود: چین و سیاهپوستان آمریکا در مقایسه با دیگر گروه‌ها و ملت‌های غیراروپایی.

^۱ Projection

^۲ *L'Oreille cassée, Le Temple du Soleil, Tintin et les Picaros, Le Trésor de Rackham le Rouge*

نمود این جهان‌بینی را می‌توان برای مثال به‌خوبی در تصویری دید که از شخصیت‌های منفی آلبوم‌ها ارائه می‌شود. در داستان ما^۱ه شخصیت منفی بانک‌داری آمریکایی است که متعلق به حزب مخالف است. الگویی که در مجموعه آثار مربوط به آمریکای لاتین تکرار می‌شود. وجود این همه شرور آمریکایی در هیئت اصحاب نفت، کلاشان و زورگیران، سرکردگان گروه‌های جنایتکار و دزد، در آثار هرژه تبلور ترس نویسنده‌های اروپایی از تهدیدی است که همه‌گیری ارزش‌های آمریکایی، ارزش‌هایی همچون مصرف‌گرایی، گرایش به مادیات و پول‌پرستی، متوجه «انسانیت اروپایی» کرده است، انسانیتی که ساخته و پرداخته‌ی سنت چندصد ساله‌ی «اومانیزم»^۲ بوده است و مبنای قیومت خیرخواهانه‌ی اروپایی بر دنیا.

از سوی دیگر، آنگونه که در بخش قبل دیدیم، گروه فرودست با مجموعه‌ای از صفات نامطلوب تصویر می‌شود که برای رسیدن به راه تمدن و درستی نیازمند سرپرستی مرد اروپایی است. استثنای این قاعده چین بود. اما آیا بازنمایی متفاوت هرژه از چین نشان‌دهنده‌ی نقطه‌ای است که مرز میان فرادست و فرودست برداشته می‌شود و هویتی ساخته می‌شود فارغ از مجادله بر سر قدرت؟ برای پاسخ به این سوال، کافی است به مجموعه‌ای از بخش‌های نیلوفر آبی بنگریم که تن‌تن را در حال نجات چنگ از رودخانه‌ی یانگ‌تسه نشان می‌دهد. پس از خروج از آب، چنگ با گیجی از تن‌تن می‌پرسد: «چرا نجاتم دادی؟» در روایت هرژه، خود چنگ به عنوان نماینده‌ی مردم چین باور ندارد که شایسته‌ی نجات است؛ چرا یک اروپایی باید برای نجات چینی جان خودش را به خطر بیندازد؟ از سوی دیگر، نجات غریق در اینجا تمثیلی است از قیومت الزامی اروپایی.



در حقیقت، هرژه قائل به دو نوع قیومت است: آن قیومتی که قییم با موافقت (و حتی به دعوت) مستعمره «مسئولیت» سرپرستی را می‌پذیرد (و این نشان از بلوغ نسبی مستعمره دارد)؛ آن قیومتی

¹ Objectif Lune

² Humanism

که قیم ناچار است از روی وظیفه و بهرغم مقاومت مستعمره، سرپرستی‌اش را قبول کند تا راه تمدن را نشان دهد.

روند تصویرسازی چینی‌ها نیز دال بر چنین مسئله‌ای است. چشمان بادامی و دیگر ویژگی‌هایی که در فرهنگ غرب به مردم آسیای شرقی نسبت داده می‌شود، در طول این آلبوم تلطیف می‌شوند و تصویر چینی‌ها به شخصیت‌های غربی نزدیک می‌شود تا جایی که شخصیت‌هایی «خنثی» از آنها ایجاد شود. این در حالی است که در ترسیم خطوط چهره‌ی ژاپنی‌ها مبالغه می‌شود تا جنبه‌ی «بیگانگی» آنها برجسته شود و تقابل تن‌تن با ایشان موجه باشد. در همین چارچوب، می‌توان پدرمآبی اروپاییان نسبت به دیگر ملت‌ها را در «احساس مسئولیتی» بازیافت که هرژه نسبت به چین ابراز می‌کند (فار ۵۷) اما در این چارچوب چطور می‌توان اقدام چانگ به نجات جان تن‌تن را توضیح داد؟ در چارچوب تحلیلی فوق، وقتی تن‌تن چانگ را نجات می‌دهد اقدامش به‌عنوان اقدامی بی‌چشم‌داشت تفسیر می‌شود در حالی که عمل چانگ جبران کار تن‌تن و تلاشی است برای اثبات لیاقت خود.

به این ترتیب، کلیشه‌های قومی و نژادی که در تصویرسازی‌های آلبوم‌های تن‌تن به چشم می‌خورد تنها زمانی تغییر می‌کند که شخصیت‌ها تابع ارزش‌های اروپایی می‌شوند. در حقیقت، برخورد هرژه با بسیاری از مناطق به‌گونه‌ای است که گویی هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند و افراد و قوم‌ها به‌صرف نسبتشان به یک نژاد به‌لحاظ فرهنگی و اجتماعی به هم شبیه‌اند. این گزاره بویژه در خصوص مسلمانان و آفریقایی‌ها صدق می‌کند. فروکاستن یک اعتقاد، قوم، گروه، مذهب یا ملت به یکی از خصلت‌های آن و ساختن «تیپ» یا «نوعی» که به‌راحتی قابل شناسایی باشد، در حقیقت عملی تحقیرآمیز است، رفتاری شبیه به رفتار استعمارگران در قبال سرزمین‌های مستعمرات به نحوی که مرزهای اصلی میان مناطق را به هم می‌ریختند و مرزهایی جدید برایشان رسم می‌کردند که ربطی به هویت، تاریخ، سنت و ساختار اجتماعی آنها نداشت.

فرض هرژه بر این است که سرزمین‌های واقعی فرودست را کاملاً می‌شناسد، یعنی چنان شناخت عمیقی از آنها دارد که نیازی به رفتن به این سرزمین‌ها و کسب شناخت از نزدیک ندارد. اعتماد او به دستاوردهای مادی و روایت‌های استعمارگران چنان ریشه‌دار است که با تکیه بر همین روایت‌ها نسخه‌ای داستانی از هر نقطه‌ای در عالم را ارائه می‌کند. اما او در این مسیر تفاوت‌های اساسی میان گروه‌های مختلف را نادیده می‌گیرد و به تصویری تک‌بعدی و مسخ‌شده از آنها می‌پردازد. بی‌شک در مقایسه با واقعیت بیرونی، حکومت بر این موجودات تک‌بعدی و خالی از پیچیدگی بسیار آسان‌تر است و مقاومتشان در برابر سلطه‌ی خارجی بسیار کمتر.

تقلیل و نادیده‌انگاری تفاوت‌ها از سویی موجب تحقیر ملت‌های «فرو دست» می‌شود و از سوی دیگر مؤلف و خواننده‌هایش را از درک درست واقعیت بیرونی محروم می‌سازد. شاید آگاهی از همین مسئله بود که هرژه را واداشت در آخرین آثار خود از مکان‌های واقعی استفاده نکند و تن‌تن را به کشورهای بفرستد که واقعیت بیرونی نداشتند. اما این تلاش او مسئله را حل نمی‌کند زیرا آنچنان که تا اینجا دیدیم «کشورهای فرو دست» و «دیگری» در حقیقت مکان یا فردی واقعی نیست بلکه ساخته‌ای ذهنی است مبتنی بر باورها و گفتمان‌های اروپایی. چنین نگرشی ناخودآگاه در تلاش است ثروت و قدرت اروپا را که تا حد زیادی مبتنی بر آورده‌های اقتصادی برده‌داری و استثمار نیروی کار گروه‌های فرو دست است، پنهان کند.

در این شرایط، چطور می‌توان محبوبیت این آثار را در دنیای امروز و حتی در میان ملت‌هایی که تصویری مسخ‌شده از آن‌ها در این آلبوم‌ها نمایش داده شده است، توضیح داد؟

مصادره‌ی فرهنگی معکوس و صدای منقطع فرو دست

همان‌طور که پیشتر در نقل قولی از اسپیواک یادآور شدیم، فرو دست در محصولات فرهنگی و زبان‌شناختی فرادست غوطه‌ور است. همین مسئله‌رهایی او از سلطه را دو چندان دشوار می‌کند: در آلبوم‌های هرژه عرب‌ها، آفریقایی و شرقی‌ها به زبان فرانسه‌ای صحبت می‌کنند که بیشتر نیم‌زبان (پیجین)^۱ است.

اما زبان و فرهنگ چیزی نیست که بتوان از دسترس خارجشان کرد. بنابراین، برخلاف برداشت عمومی از گزاره‌ی اسپیواک مبنی بر بی‌صدایی فرو دست، او قائل به لالمانی فرو دست نیست، چرا که خود او از موضع یک فرو دست به انتقاد از ابزارهای سرکوب فرادستان می‌پردازد. همین مطلب را می‌توان در خصوص خواننده‌های هرژه مطرح کرد. به بیان دقیق‌تر، هرژه تنها مؤلف آثار خود نیست، بلکه خواننده‌هایش به تناسب فرهنگ و سنت‌هایشان این آثار را بازآفرینی می‌کنند.

ایزر در رویکرد خود به نظریه‌ی دریافت بر این مسئله تأکید می‌کند. در حقیقت او باور دارد که هرچند مؤلف با تصور خاصی از یک خواننده (خواننده‌ی ایدآل) دست به قلم می‌برد، اما خواننده در مقام تحلیل و تفسیر اثر، با توجه به تجربیات شخصی و زمینه‌ی اجتماعی-اقتصادی آن را درک می‌کند (ایزر ۶). بنابراین، شیوه‌ی مواجهه با اثر است که به خواننده‌ی فرو دست اجازه می‌دهد با آثار تحقیرآمیز هرژه ارتباط برقرار می‌کنند. این شیوه تابعی است از سه عنصری که با ترکیبشان می‌توان موضع خواننده را نسبت به این آثار توضیح داد:

¹ Pidgin

عنصر اول برآمده از نظریه‌ی قرارداد خواننده با اثر^۱ است که اولین بار از سوی فیلیپ لوژون^۲ درباره‌ی آثار زندگی‌نامه‌نگاری مطرح شد. مطابق با این نظریه، خواننده در مواجهه با اثر قواعد دنیای واقع را تعلیق می‌کند و وارد دنیای داستان می‌شود. مفاد این قرارداد را عموماً ژانر اثر تعیین می‌کند. اما آنچه باعث می‌شود این قرارداد در خصوص ژانرهای مختلف (با مشروعیت فرهنگی مختلف) مشابه باشد، کارکرد اجتماعی این قرارداد است. در حقیقت این قرارداد به خواننده اجازه می‌دهد افکار، عقاید، احساسات و واکنش‌های خود را نسبت به اثر تنظیم کند. در این صورت، خواننده‌های تن‌تن عقاید و احساسات خود را با تصویرسازی‌های هرژه از اقوام و گروه‌های مختلف هماهنگ می‌کنند. به بیانی دیگر، خواننده با الهام از موقعیت‌های خیالی شخصیت‌های داستان، داده‌ها و سرنخ‌های کافی برای درک دنیا به دست می‌آورند. در این تعریف، خواننده فردیتی منفعل دارد.

اما با تدقیق در چهره‌ی خواننده می‌توان به اراده‌ای پی برد که به انتخاب‌های خواننده شکل می‌دهد و نوع رابطه‌اش - سرگرمی، آموزش،... - و حتی ادامه‌ی رابطه یا قطع آن را تعیین می‌کند. هرژه راوی - شخصیتی می‌آفریند که وانمود می‌کند با خواننده ارتباط متقابل برقرار کرده است. در حقیقت راوی او حقه‌ای است که به خواننده‌ی «مجازی‌اش» این حس را می‌دهد که موجودی واقعی است، گویی این خواننده قدرت ابراز وجود دارد.

اما خوانندگان واقعی هرژه با شنیدن صدای این راوی و با پذیرش قرارداد خواندن خاص این ژانر، فراموش نمی‌کنند که به دنیایی ادبی، خیالی و داستانی پا گذاشته‌اند و در نتیجه گفته‌پردازی در این آثار واقعی نیست و تنها واقعیتی داستانی دارد.

در این صورت، همراهی خواننده با شخصیت‌ها و راوی چنانکه گویی از درون دنیای داستانی ماجراها را دنبال، وقایع را تجربه و رویدادها را تفسیر می‌کند، اگرچه برای خواننده حاوی اطلاعات هیجانی و شناختی است اما جزئی است از کلیت گفتمان‌های مختلفی که خواننده روزانه با آنها سروکار دارد. سازوکار همراهی فوق که تعریفی از هم‌زادپنداری خواننده با شخصیت‌های داستان است، عنصر دوم شیوه‌ی مواجهه‌ی خواننده با اثر را تشکیل می‌دهد. هم‌زادپنداری با اثر نقش مهمی برای توضیح روند القای حس و لذت و متقاعدسازی روایی دارد.

بی‌شک هرژه برای القای ارزش‌های اروپایی - چه آگاهانه و چه غیرآگاهانه - در ذهن مخاطب، استفاده‌ی فراوانی از وجه اخیر می‌کند. فرض گروه فرادست این است که گروه فرودست لاجرم در

^۱ Pacte de lecture

^۲ Philippe Lejeune

هنگام مطالعه‌ی آثار اروپایی با شخصیت‌های روایت هم‌زادپنداری می‌کند، فاقد هرگونه قدرت تفکر انتقادی است و نمی‌تواند هیچگونه استدلالی برای رد پیام داستان تولید کند. تناقض ذاتی چنین استدلالی از آنجا ناشی می‌شود که خواننده را قادر به جذب پیام و همراهی عاطفی و شناختی اما ناتوان از تفکر انتقادی می‌داند.

جهت اصلاح این تناقض روش‌شناختی، در پژوهش حاضر گفته‌ها و نظرات خواننده‌های اهل کنگو را در پایگاه‌ها و تالارهای گفتگوی اینترنتی به صورت موردی مطالعه کردیم.^۱ مشارکت‌کنندگان در این بحث به طور کلی سه موضع اتخاذ می‌کنند: کسانی که این بازنمایی‌ها را فاقد اهمیت می‌دانند و آنها را محدود به دنیای داستانی و خیالی می‌دانند که کارکردی عمدتاً سرگرم‌کننده دارد؛ کسانی که این بازنمایی‌ها را بخشی از واقعیت آن دوران می‌دانند و معتقدند که در آن دوران آفریقا به این صورت بوده است؛ و کسانی که معتقدند این آثار به تشدید گرایش‌های نژادپرستانه در دنیای امروز می‌انجامد، اما به جای حذف کلی آنها از کتابخانه‌ها، لازم می‌دانند دیباچه‌ای به ابتدای این آثار افزوده شود تا ویژگی‌های نژادپرستانه‌شان را واکاوی کند.

در سال‌های اخیر، گروه سوم صدایی به مراتب رساتر پیدا کرده است و این امر به تغییراتی در ویرایش‌های معاصر این آلبوم‌ها منجر شده است – چه در متن و روایت و چه در تصویرسازی.^۲ در حقیقت این گروه سوم متوسل به رویه‌ای شده است که ما مصادره‌ی فرهنگی معکوس می‌نامیمش – عنصر سوم.

«مصادره» مفهومی است دال بر استراتژی‌هایی که قدرت‌های امپریالیستی مسلط به کار می‌بستند تا سرزمین‌ها یا فرهنگ‌های تحت سلطه‌شان را به متصرفات خود بیفزایند. (فار ۲۸) حال آنکه پژوهش حاضر باور دارد که در مصادره‌ی معکوس، گروه فرودست با بهره‌گیری از برخی جنبه‌های فرهنگ

^۱ <https://bibliobs.nouvelobs.com/bd/20091029.BIB4307/tintin-au-congo-ce-qu-en-pensent-les-congolais.html>
<https://www.franceculture.fr/bd-bande-dessinee/pourquoi-tintin-au-congo-fait-il-encore-polemique-aujourd'hui>
<https://observers.france24.com/fr/20100512-tintin-raciste-congo-belgique-colonie-jugement-herge-bande-dessinee>
<https://www.lapresse.ca/arts/livres/bd-et-livres-jeunesse/201109/30/01-4452921-un-congolais-reclame-linterdiction-de-tintin-au-congo-en-belgique.php>
https://www.lexpress.fr/culture/livre/tintin-au-congo-fait-des-remous_783669.html
<https://plus.lesoir.be/199927/article/2019-01-10/tintin-au-congo-vu-par-lafrique>

^۲ برای اطلاع دقیق‌تر ر.ک به بحث‌ها در این خصوص در آدرس:

<https://www.bdgest.com/forum/tintin-les-10-albums-modifies-t80835.html>

امپریالیستی به ابراز هویت اجتماعی یا فرهنگی خویش دست می‌زند. این جنبه‌ها طیف وسیعی از زبان و اشکال نوشتاری تا شیوه‌های تفکر و استدلال را دربرمی‌گیرد. به همین اعتبار، در مورد گروه سوم که رابطه‌ی تن‌تن و کنگو را مسئله‌دار می‌داند اما به‌دور از دوقطبی‌سازی، نه‌تنها خواستار حذف آن نیست بلکه آن را برای یادآوری تاریخی ضروری می‌داند، می‌توان سنت «تحلیل» گفتمان و مبارزه‌ی اجتماعی اروپایی را مشاهده کرد که از موضعی انتقادی به نقد منشأ خود می‌پردازد. در واقع، این گروه به لحاظ فرهنگی دورگه محسوب می‌شوند: نزد ایشان، به‌رغم استفاده از ابزارهای تحلیلی اروپایی، مرزهای میان مفاهیم متقابلِ دوگانه‌ای که پیشتر بحثشان مطرح شد؛ چندان سفت و سخت نیست. علاوه‌برآن، تلاش ایشان بیشتر از آنکه معطوف به کسب قدرت — و در نتیجه سلطه بر رقیب — باشد، درصدد رساندن صدای خویش است. از این‌روی، صدای فرادست برای ایشان فرصتی است برای دیالوگ و برقراری تعادل.

انتقادی که می‌توان به این موضع مطرح کرده، سازش‌کاری ناخودآگاهانه با صاحب‌قدرتی است که فرودست از سلطه‌گری‌اش آگاه است، اما قادر به مبارزه با آن نیست. در این صورت، وجود دیباچه‌ای انتقادی در ابتدای آلبوم‌های تن‌تن بیشتر از آنکه هشدار باشد به خواننده‌ای که به‌احتمال زیاد بدون خواندن آن دیباچه به سراغ متن داستان می‌رود، دلخوش‌کنکی است برای نظریه‌پردازی که جرأت یا قدرت مواجهه با گروه‌های فرادست را ندارد.

اگرچه این انتقاد ممکن است در خصوص بخشی از فعالیت‌های منتقدان پسااستعماری صدق کند، اما نمی‌تواند تلاش‌های موفق‌ی را نادیده بگیرد که به‌وسیله‌ی آنها منتقدان پسااستعماری موفق شده‌اند نگاه ناشران، نویسندگان و بخش بزرگی از خوانندگان را به آثار تغییر دهند. همان‌طور که دیدیم، هرزه نیز در نتیجه‌ی چنین انتقاداتی در آخرین آثار خود سعی می‌کند مواضع نژادپرستانه‌ی خود را تغییر دهد (اینکه آیا موفق می‌شود یا خیر بحث دیگری است) و حتی در چاپ‌های بعدی برخی از اولین کتاب‌هایش ویرایش‌های اساسی اعمال می‌کند.

نگاه چندگانه و چندرگه‌ی گروه‌های فرودست که عموماً برآمده از سنت و مذاهب شرقی است، میان مؤلفه‌های جهان (چه مادی چه معنوی؛ چه طبیعی و چه فراطبیعی) تفکیکی سفت و سخت برقرار نمی‌کند. همین واقعیت به ایشان اجازه می‌دهد ابزارها و دیدگاه‌های مختلفی را که از منظر اروپایی آشتی‌ناپذیر محسوب می‌شوند، کنار هم بنشانند. به این ترتیب، مصادره‌ی فرهنگی معکوس به‌عنوان

^۱ برای اطلاع بیشتر از دلایل ناتوانی هرژه در این مسیر، ر.ک:

Frey, Hugo. "Contagious colonial diseases in Hergé's the adventures of Tintin." *Modern & Contemporary France* 12.2 (2004): 177-188.

فرآیندی که طی آن گروه‌های فرودست با اقتباس برخی از ابزارهای فرهنگ اروپایی و ترکیب آنها با عناصر فرهنگی خود به تولید گفتمان‌های نو دست می‌زنند، آخرین وجه از روندی است که به مخاطب هرژه اجازه می‌دهد آثار او را بخواند بی‌آنکه الزاماً ارزش‌هایی را بپذیرد که این آثار ترویج می‌کنند و تصویرسازی‌هایی را باور کند که این آثار از گروه‌های فرودست، از جمله گروهی که شخص خواننده به آن تعلق دارد عرضه می‌کنند.

۳. نتیجه

بررسی انتقاداتی که نسبت به هرژه مطرح شده است به‌درستی بر سوگیری‌های نژادی و قومی انگشت گذاشته‌اند. در پژوهش حاضر نشان داده شد که این سوگیری‌ها نسبت به اقوام مختلف، گروه‌های فرودست و فرادست را به چند دسته تقسیم می‌کنند. اما این سوگیری‌ها نمی‌تواند به انتقال بدون دستکاری پیام هرژه بینجامد. اروپامحوری هرژه از نظر خوانندگان متعلق به گروه فرودست به سه شیوه‌ی مختلف تفسیر می‌شود و همین تفسیرها در رفتار و نگرش‌های هرژه در آثار متأخرش بازتاب پیدا می‌کند.

از این نظر، مرزهایی که میان گروه فرودست و فرادست ترسیم می‌شود، در واقعیت ناتوان از توضیح تأثیراتی است که گروه فرودست بر گروه فرادست می‌گذارد. گروه فرودست با استفاده از ابزارهای منطقی و گفتمانی که گروه فرادست برای سلطه خلق کرده است، برای رساندن صدای خود استفاده می‌کند؛ فرآیندی که در مطالعه‌ی حاضر تحت عنوان *مصادره‌ی معکوس* تعریف شد. *مصادره‌ی معکوس* در نهایت به تغییر در روابط بین فرادست و فرودست می‌انجامد. اما گذشته از آن، گروه‌های فرودست با جذب و الحاق عناصر فرهنگی اروپایی به فرهنگ خود، به ترکیبی نوین یا دورگه دست می‌یابند که هم‌نگاهی منطقی به دنیا دارد و هم مرزهای سفت و سخت میان دوگانه‌های متضاد در فرهنگ اروپایی را تلطیف می‌کند تا به نگاهی پیوسته‌تر به دنیا دست یابد.

References

- Apostolidès, Jean Marie. "Hergé and Myth of the Superchild" ["Herzhe va Afsane-ye Abarkoodak"]. *Yale French Studies*, no.111 (2007): 45–57.
- Assouline, Pierre. *Hergé*. France, Plon, 1996.
- Delisle, Philippe. *De Tintin au Congo à Odilon Verjus*. Éditions Karthala, 2011.
- Farr, Michael. *Tintin: The Complete Companion*. London, John Murray, 2001.
- Tintin: le rêve et la réalité, Éditions Moulinsart, 2001.

- Gilli, Yves. "Le texte et sa lecture. Une analyse de l'acte de lire selon W. Iser", *Semen* [Online], 1 | 1983, Online since 21 August 2007, accessed on 01 August 2022, URL: <http://journals.openedition.org/semen/4261>; DOI: <https://doi.org/10.4000/semen.4261>
- Haidari, Fatemeh, and Reza Alborzi Avanaki. "Khanesh-e Pasa-Estemari-e Hamsayeha Dar Parto-e Nazarat-e Spivak" ["Post-colonial reading of Neighbors based on the Spivak's comments"]. *Research in Contemporary World Literature [Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji]*. No. 2 (Autumn and Winter 2017-2018): 337-352.
- Hergé. *Tintin au Congo*. Casterman, 2010.
- Hochschild, Adam. *King Leopold's Ghost: A Story of Greed, Terror, and Heroism in Colonial Africa*. Houghton Mifflin Harcourt, 1999.
- Kessler, Peter. *The Complete Guide to Asterix*. Hodder Children's Books, Great Britain, 1995.
- Miguet-Ollagnier, Marie, and Nathalie Limat-Letellier, "Historique du concept d'intertextualité", Open Edition Books [online], 1998, URL: <https://books.openedition.org/pufc/4507?lang=en#authors>, connection on 02 August 2021.
- Moro, Thérèse. "L'altérité crée la forme". *L'Autre*, vol. 1, No. 1 (2000).
- Prakash, Gyan. "Subaltern Studies as Postcolonial Criticism". *The American Historical Review*, vol. 99, no. 5 (1994): 1475–1490.
- Royal Derek. "Introduction: Colouring America: Multi-Ethnic Engagements With Graphic Narrative". *MELUS*, vol. 32, no. 3 (2007): 7–22.
- Sheikholislami, Mahzad, and Parisa Pooyandeh. "Baznamaei va Tarsim-e Abhad-e Hoveyat-e "Digari" Safarnam-e Nevis, Zamin-e Pazhouhesh: Safarnam-e Pietro Della Valle" ["Representing the Travel Writer's 'Other Identity' in Pietro Della Valle's Travels in Persia"]. *Research in*

Contemporary World Literature [Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji]. No. 2 (Autumn and Winter 2022-2023): 337-352.

Solmon, Samuel. "L'espace de la lecture: Althusser, Derrida, et la théorie de la lecture", *Décalage*, vol. 1, no. 2 (2013): 1-24.

Spivak Gayatri Chakravorty. "Can the Subaltern Speak?". *Marxism and the Interpretation of Culture*. Edited by Cary Nelson and Lawrence Grossberg. Urbana, University of Illinois Press, 1988, S. 271-313.

Strömberg, Fredrik. *Comic Art Propaganda*. ILEX, East Sussex, 2010.

Todorov, Tzvetan, and Mikhaïl, Bakhtine. *Le principe dialogique. Suivi de : Ecrits du Cercle de Bakhtine*. Le Seuil, 2013 (1981).

Spurr, David. *The Rhetoric of Empire: Colonial Discourse in Journalism, Travel Writing, and Imperial Administration*. Duke University Press, 1993.

